



سال ششم، شماره ۳، پیاپی ۲۰ پاییز ۱۴۰۲

www.qpjjournal.ir

ISSN : 2783-4166

حضور بینامتنی آموزه‌های پیامبر اسلام(ص) در نظام تعلیمی- تربیتی قابوس‌نامه بر

اساس نظریه ژرار ژنت

دکتر ابراهیم دانش^۱، دکتر فرامرز جلال^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷

نوع مقاله: پژوهشی

(از ص ۲۴ تا ص ۴۸)



20.1001.1.27834166.1402.6.4.2.5

چکیده

قابوس‌نامه گنجینه‌ای پر بار و پرمحتوا از دانش‌ها و تجربه‌های متنوعی است که به کار تعلیم و تربیت می‌آید. عنصرالمعالی به تمام ابعاد وجودی و اجتماعی انسان و نیازهای وی توجه کافی داشته، در این راستا از منابع مختلف بویژه قرآن، حدیث و امثال و حکم بهره‌ها گرفته و با تسلط و تبحر بالای علمی و ادبی خود، به شیوه‌ای منسجم و زیبا و با زبانی ساده که لازمه یک کتاب آموزشی است، آن‌ها را تبیین کرده‌است. رسوخ عناصر زبانی و اندیشگانی تربیتی حضرت محمد(ص) که به صورت‌های مختلف در قابوس‌نامه تجلی یافته‌است، نشانگر روابط بینامتنی مسلم بین آن‌هاست. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نمودهای متنی و محتوایی اقوال حکمت‌آمیز و پندآموز رسول اکرم(ص) و نحوه بازتاب آن در قابوس‌نامه بر اساس نظریه ژرار ژنت پرداخته، به این نتیجه رسیده‌است که آموزه‌های نبی مکرم اسلام(ص) که به صورت‌های ضمنی، صریح و پنهان در قابوس‌نامه حضور یافته‌است، نقشی بنیادین در چارچوب فکری و تعلیمی کتاب مذکور دارد. از لحاظ موضوعی این آموزه‌ها گستره متنوعی چون مسائل اجتماعی، اعتقادی و فردی را شامل می‌شود و فراوانی بالای تعلیم اجتماعی پیامبر(ص) در قابوس‌نامه با ماهیت اجتماعی دین اسلام و تأکید پیامبر(ص) بر وحدت مسلمین تطابق کامل دارد. این پژوهش نشان داد که رابطه کلان هم‌حضور و بینامتنی قابوس‌نامه با احادیث نبوی به صورت تداوم آموزه‌های نبوی و جذب آن‌ها در راستای تکمیل بُعد ادبی و تربیتی کتاب بوده‌است.

واژه‌های کلیدی: بینامتنیت، آموزه‌های پیامبر، قابوس‌نامه، ژرار ژنت

^۱ . استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.(نویسنده مسئول). e.danesh@uma.ac.ir

^۲ . استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. faramarz.jalalat@gmail.com



۱- مقدمه

انسان به عنوان اشرف مخلوقات، به واسطه نعمت‌های جان و خرد بر سایر موجودات کرامت یافته «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (إسراء: ۷۰) تا با مواهبی چون اختیار و انتخاب و با استمداد از هدایت تکوینی و تشریحی و تعالیم انبیا، اولیا و حکما به سعادت دو جهانی نائل شود. او می‌تواند با خودسازی، خودشناسی و خداشناسی به کمال مطلوب دست یابد یا با بی‌خردی، هواپرستی و فرصت‌سوزی به مراتب حیوانی یا فروتر از آن سقوط کند. «أولئك كالأنعام بَلْ هُمْ أَضَلُّ أَوْلئك هُمُ الْغَافِلُونَ» (أعراف: ۱۷۹). از میان انسان‌ها، آن‌هایی که گوهر عقل را به زیور علم و اخلاق آراسته‌اند، بر همالان خویش برتری یافته‌اند (ن.ک. نسفی، ۱۳۸۱: ۲۷۰). از این‌روی در طول تاریخ، تعلیم و تربیت از مهم‌ترین دغدغه‌های بزرگان و خردمندان جوامع بوده‌است.

یکی از راه‌های تربیت عملی در ادیان و مکاتب مختلف، ارائه الگویی شایسته برای انسان آرمانی است و مطابق نص صریح «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱)، پیامبر گرامی اسلام (ص) که ادب آموخته مکتب الهی است «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَّبَنِي فَأَحْسَنَ آدَبِي» (ابن جوزی، ۲۰۰۵: ۸۳)، الگوی رحمت «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیا: ۱۰۷)، بلاغت «كَلَامَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)... هُوَ النَّهْيَةُ فِي الْبَيَانِ وَ الْغَايَةُ فِي الْبُرْهَانِ، الْمَشْتَمِلُ عَلَى جَوَامِعِ الْكَلِمِ وَ بَدَائِعِ الْحِكْمِ» (الحصری‌القیروانی، ۱۴۲۴: ۵/۱) و اخلاق والای انسانی به‌شمارمی‌آمد «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمْ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (میبدی، ۱۳۸۲: ۴۱۶/۷)؛ از این‌روی مسلمانان به حفظ و انتقال فضائل و سخنان گهربار ایشان که «به فرمایش امام علی (ع) به درک و شناخت حکمت‌های کتاب الهی کمک می‌کند» (صفارزاده، ۱۳۸۴: ۵)، اهتمام ورزیده‌اند.

آموزه‌های تعلیمی و تربیتی پیامبر گرامی اسلام (ص) که میتنی بر رسالت «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (جمعه: ۲) است در ادبیات تعلیمی و ارشادی بازتاب چشمگیری یافته‌است؛ زیرا «اساساً خدمت بزرگ حدیث، پرورش فضیلت و اخلاق است نه نقل عینی آیات احکام فقهی» (صفارزاده، ۱۳۸۴: ۳).

با توجه به تعریف ارسطو از انسان «حَدُّ الْإِنْسَانِ الْحَيُّ النَّاطِقُ الْمُبِينُ» (الجاحظ، ۱۴۲۳: ۸۳/۱)، می‌توان گفت که در طول تاریخ، اندیشه و زبان دو روی یک سکه و سبب رشد، تداوم و بقای یکدیگر بوده‌اند و از آن جایی که این امتیاز مایه انتقال تجارب، اندیشه‌ها و عواطف از نسلی به نسلی و باعث رشد فرهنگ و شکل‌گیری تمدن انسانی است، می‌توان به تعبیری انسان را «تنها حیوان بینامتنی» (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۱۴) تلقی کرد.



متن‌ها و گفتمان‌ها به عنوان نظام‌هایی متشکل از نشانه‌ی زبانی «با رمزگان خود امکان ارتباط و انتقال پیام‌ها را می‌سازند. اگر چنین قابلیت‌ی وجود نداشت، بسیاری از آثار انسانی نمی‌توانست خلق شود... و تمدن بشری در بسیاری از موارد هنوز بدوی و ابتدایی بود» (نامور مطلق، ۱۳۸۸: ۸۴).

ادبیات تعلیمی به دلیل ماهیت آموزشی خود از ابزارهای مختلفی از قبیل آیات، احادیث، اشعار، حکایات تمثیلی، پند و اندرز و امثال و حکم برای آموزش و پرورش انسان‌ها استفاده می‌کند. «شاعران و نویسندگان حکمت‌آموز ادب فارسی به دلیل نفوذ صراحت شرح و تفسیر، بیش از خود قرآن از حدیث و روایت در آثارشان در قالب‌های نظم و نثر بهره‌جسته‌اند» (صفا زاده، ۱۳۸۴: ۳). بررسی آبخورهای دینی و حکمی اثر می‌تواند نمایان‌گر تبدلات فکری، فرهنگی و ادبی آن متن با متون متقدم و متأخر و رابطه بینامتنی آن‌ها باشد.

قابوس‌نامه از آثار مهم منشور ادب تعلیمی فارسی است که مفاهیم ارشادی آن به دلیل گستره موضوعات، افراد مختلف را از خوان پربار خویش بهره‌مند می‌کند. عنصرالمعالی با اتکا به دانش گسترده خود از علوم، فنون، فرهنگ‌های مختلف و منابع دینی، به بایستگی و بر حسب ابواب و موضوعات کتاب خویش، به زبانی ساده و گیرا آن‌ها را بیان کرده‌است. وی اندیشه‌های حکیمانه را چون خوشه‌هایی از هر جا برچیده، بر پایه آن‌ها خرمنی از معرفت، تعلیم و تربیت در قابوس‌نامه پدید آورده‌است و به تأسسی از حدیث «لَا تَضَعُوا الْحِكْمَةَ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهَا فَتَظْلِمُوهَا وَ لَا تَمْنُوهَا أَهْلِهَا فَتَظْلِمُوهُمْ» (ابن‌عبدربه، ۱۹۸۹: ۱۰۷/۲)، امثال و حکم و تعالیم اجتماعی و الهی پیامبر اکرم (ص) را جذب و ساختار محتوایی و فرمی قابوس‌نامه را با آن‌ها گوهرنشان کرده، قبول عامه و خاصه را برای اثر خویش به ارمغان آورده‌است.

۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

قابوس‌نامه از گنجینه‌های کم‌نظیر حکمی، اخلاقی، تأثیرگذار و جریان‌ساز ادب فارسی است. مطالعه آبخورهای اسلامی این اثر بویژه تعالیم نبی مکرم اسلام (ص)، بر اساس نظریه ژرار ژنت، می‌تولند نحوه بازتاب و جایگاه اندیشگانی تعلیم تربیتی-اجتماعی نبوی را در قابوس‌نامه آشکار سازد.

۳- روش پژوهش

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای تألیف شده‌است؛ ابتدا با مطالعه منابع معتبر احادیث پیامبر اکرم (ص) اعم از کتب شیعه و سنی احادیث، امثال و حکم و کتب معتبر تاریخی و ادبی و تحلیل بینامتنی قابوس‌نامه با استعانت از انواع، شرایط و مراحل بینامتنیت مطرح در نظریه بینامتنیت ژرار ژنت، موارد تأثیرپذیری عنصرالمعالی از تعالیم آن حضرت استخراج و سپس نقش آن‌ها در ساختار ادبی، تعلیمی و تربیتی قابوس‌نامه تحلیل شده‌است.

۴- پیشینه پژوهش



تاکنون درباره تأثیرپذیری قابوس‌نامه از آموزه‌های تعلیمی و تربیتی پیامبر اسلام (ص) پژوهشی انجام نشده است، اما پژوهش‌هایی که تا حدودی با این موضوع مرتبط هستند، عبارتند از:

در باب منشأ نصایح قابوس‌نامه گفته‌اند: «قسمتی از نصایح آن از آداب ایرانی که بعضی در کتب مضبوط و بعضی در آن عصر متداول بوده اقتباس شده و نیز قسمتی با کلمات قصار مروی از پیغمبر (ص) و علی (ع) مطابق است» (فروزانفر، ۱۳۸۳: ۳۳۲).

نویسندگان مقاله «اندرزهای عنصرالمعالی در قابوس‌نامه و مقایسه آن با نظرات تربیتی ژان ژاک روسو» به این نتیجه رسیده‌اند که: آراء روسو در مقایسه با عنصرالمعالی کلی، آرمانی و افراطی است و همچنین اصل عزلت و تربیت منفی روسو باعث کندی روند تعلیم و تربیت کودک می‌شود (ن.ک. خاتمی و رفیعی، ۱۳۹۰: ۲۳).

نویسنده مقاله «جایگاه قابوس‌نامه در قلمرو ادبیات تعلیمی» معتقد است: عنصرالمعالی نویسندگان را فرامی‌خولند تا نکات ارزشی و اخلاقی را با استناد به کلام وحی، حدیث پیامبر و ... تعلیم دهند (ن.ک. الهامی، ۱۳۹۱: ۱۵۵).

نویسنده مقاله «تبیین جایگاه قابوس‌نامه در تاریخ اندرزنامه‌نویسی» بر آن است که: عنصرالمعالی با حفظ میراث عظیم اندرزنویسی ایران باستان و تلفیق آن با آموزه‌های اخلاق اسلامی، موجب باروری ادبیات تعلیمی شده است (ن.ک. موسوی، ۱۳۹۹: ۲۲).

نویسنده مقاله «نقد بینامتنی دو اثر ادبی بوستان و قابوس‌نامه» این دو کتاب را از نظر مضمون و محتوا در گفتگویی متقابل می‌داند (ر.ک. امامی، ۱۳۹۹: ۲۷۶).

نویسندگان مقاله «بینامتنی در ادب تعلیمی (با تمرکز بر قابوس‌نامه و تعلیم پتاح‌حوتپ؛ کهن‌ترین فرزندنامه جهان) عقیده دارند که این دو اثر در بیان آموزه‌های رفتاری، اجتماعی و خانوادگی همانندی‌هایی دارند (ر.ک. جلیلی جشن‌آبادی و رحیمی، ۱۴۰۰: ۲۸).

نویسندگان مقاله «بررسی مؤلفه‌های ادب زبانی در قابوس‌نامه با استفاده از نظریه براون و لوینسون» معتقدند: مفهوم ادب در قابوس‌نامه شامل ابعاد فردی، اجتماعی و فرهنگی و بیشتر برگرفته از آموزه‌های دین اسلام و فرهنگ ایرانی است (ن.ک. دانش و طوسی نصرآبادی، ۱۴۰۰: ۱۴۹).

نویسندگان مقاله «بررسی و تحلیل شاخصه‌های تعلیمی قابوس‌نامه در ارتباط با روابط والدین-فرزند بر اساس نظریه رمزگان‌های پنج‌گانه رولان بارت» برآنند که: «عنصرالمعالی از طریق استفاده از احادیث و اقوال مذهبی سابقه‌ای منطقی و خردمحور برای مخاطبان خود تبیین می‌کند» (حق‌طلب و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶).

نویسندگان مقاله «همزیستی ادب غنایی و تعلیمی در آینه تحلیل بینامتنی آثار نظامی و قابوس‌نامه» معتقدند که نظامی در مطاوی آثار غیرتعلیمی خود، به فراخور بافت متنی و موقعیتی از عناصر تعلیمی قابوس‌نامه به عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از متن، استفاده می‌کند (ر.ک. جلالت و دانش، ۱۴۰۲: ۱۵۱).



در دیدگاه‌های سنتی، اثر ادبی، محور مطالعات ادبی و کشف نیت مؤلف در پدید آوردن اثر، هدف و غایت تحقیق به شمار می‌رفت. اما با گسترش انواع دیدگاه‌ها در حوزه نقد و نظریه ادبی، «اثر ادبی» جای خود را به «متن» داد و جنبه «متنیت» اثر بسیار مورد تأکید قرار گرفت.

به نظر بارت، نویسنده هنگام خلق اثر خویش از آزادی مطلق برخوردار نیست و این محدودیت یکی از نتایج کاربرد زبان در فرایند آفرینش متن است «هیچ نویسنده‌یی نمی‌تواند به سادگی زبان ادبی خود را ابداع کند. خلق آثار همه نویسندگان نتیجه نبردی با زبان از پیش برقرار ادبیات است» (آلن، ۱۳۸۵: ۳۲). بنابراین می‌توان بر آن بود که متن ادبی هیچ خاستگاه معینی ندارد؛ «زیرا سرشت بینامتنی آن حاکی از این است که متن ادبی همواره مرکب از مؤلفه‌های متنی از پیش موجود «بافتاری از نقل قول‌ها» است» (همان: ۱۲۹).

«هیچ هنر کامل و جاودانه‌ای در پیدایش و ظهور خود از مجموعه جریاناتی که در حوزه تاریخی آن هنر وجود داشته، بی‌بهره نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۰۲)؛ یعنی «هر متنی بر پایه متن‌های پیشین خود شکل می‌گیرد؛ هیچ متنی نیست که کاملاً مستقل تولید یا حتی دریافت گردد... به بیان دیگر بدون روابط بینامتنی هیچ متنی خلق نمی‌شود» (نامور مطلق، ۱۳۸۸: ۷۹).

اگرچه در حیات فکری و فرهنگی بشر، متن‌ها در بافت شبکه‌ای از متون تعیین می‌یافتند و متن‌های گذشته، خود را در آینه متون متأخر باز می‌تاباندند، این نظریه بینامتنیت بود که با پیدایش و تکامل خود نگرش دقیق و علمی نوینی را در بررسی روابط بینامتنی متون، به عنوان عناصر سازنده آبرمتنی متشکل از متون یا همان کپکشان متن‌ها پدید آورد (ن.ک. نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۱۲). بینامتنیت متن را از حصار سفت و سختی که ساخت‌گرایان به دور آن تنیده بودند و آن را دنیایی بسته، مستقل، خودبسنده و فارغ از هر گونه تعامل و روابط بیرونی تلقی می‌کردند نجات داد و علاوه بر کمک به فهمی همه‌جانبه از متن، به امکان گره‌گشایی آن توسط متون متقدم و متأخر اشاره کرد (ن.ک. همان: ۱۳-۱۴).

تاریخ حیات انسان و رشد بشر مرهون روابط بینامتنی و انتقال تجربه از نسلی به نسلی و از متنی به متنی است (ن.ک. همان: ۱۴). از عناصر مهم تشکیل‌دهنده متن در زبان‌های مختلف بویژه فارسی و عربی می‌توان به امثال و حکم اشاره کرد که به دلیل ویژگی‌های فرمی و محتوایی منحصر به فرد و اشتغال بر تجارب و آموزه‌های نسل‌های متمادی، رسانه‌ای مناسب برای گفتگوی نسل‌ها، متن‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بوده است. در اهمیت نقش رسانگی و انتقال علمی و فرهنگی امثال و حکم همین بس که برخی از بزرگان فرهنگ و ادب گفته‌اند: «لَوَلَا الْحِكْمُ الْمَحْفُوظَةُ وَ الْكُتُبُ الْمُدَوَّنَةُ لَبَطَلَ أَكْثَرُ الْعِلْمِ» (الجاحظ، ۱۴۲۴: ۲۲).

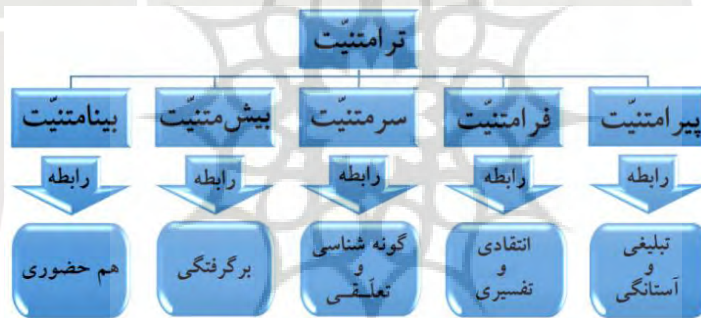
۵-۱- بینامتنیت

اصطلاح بینامتنیت (intertextuality) که نخستین بار جولیا کریستوا آن را به کار برد عبارت است از وابستگی یا رابطه میان دو متن یا بیشتر به گونه‌ای که با ارجاع و استناد به یکدیگر معنا می‌یابند و در واقع هر متنی محل تقاطع متون دیگر است (ن.ک. ساسانی، ۱۳۸۴: ۴۳ و ۴۴). بر این اساس، میان عناصر درون و بیرون متن یا به



عبارتی جهانِ متن با جهان بیناذهنی جامعهٔ زبانی (فرهنگ) و جهانِ ذهنی خواننده، روابطی وجود دارد که منجر به شکل‌گیری معنای کلی متن، فراتر از معنای عناصر منفرد و ساختار درون آن می‌شود (ن.ک. همان: ۳۹). کنش خواندن در شبکه‌ای از روابط متنی اتفاق می‌افتد و تفسیر یک متن یا کشف معانی آن در واقع عبارت است از شناسایی این روابط؛ بنابراین خواندن یک متن، به منزلهٔ فرآیند حرکت میان متون متعدد و معنا، فرآورده‌ای حاصل از شبکهٔ روابط بینامتنی متون است (ن.ک. همان: ۴۵).

ژرار ژنت به گونه‌ای بسیار گسترده و نظام‌مند به روابط بین متون و داد و ستد میان آن‌ها پرداخته‌است. وی اصطلاح ترامتنیت را بر مجموعهٔ این روابط اطلاق می‌کند (ن.ک. نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۵). از دید او «هر چیزی که پنهانی یا آشکار متن را در ارتباط با دیگر متن‌ها قرار می‌دهد» (همان: ۸۶) در حوزهٔ ترامتنیت قرار دارد. وی ترامتنیت را به پنج دستهٔ پیرامتنیت (paratextuality)، فرامتنیت (metatextuality)، سرمتنیت (architextuality)، بیش‌متنیت (hypertextuality) و بینامتنیت (intertextuality) تقسیم کرده‌است.



شکل ۱ (روابط پنج‌گانهٔ ترامتنی)

ژنت برخلاف نظریه پردازان قبل از خود، بینامتنیت را یکی از شاخه‌های ترامتنیت به‌شمار آورد که بر اساس «حضور یک متن در متنی دیگر» (آلن، ۱۳۹۷: ۱۴۴) شکل می‌گیرد. حضور مستقیم یا غیرمستقیم عنصر یا عناصری از یک متن ادبی یا هنری در متنی دیگر که تأثیر و تأثر آن‌ها را تأیید کند، می‌تواند نشانهٔ وجود رابطهٔ بینامتنیت میان آن‌ها باشد؛ در این نوع رابطه، تأثیرگذاری متن‌ها بر یکدیگر، در سطوح خرد و جزئی صورت می‌گیرد و الزاماً کلیت متن متأخر، وابسته به متن متقدم نیست.

۱-۵- انواع بینامتنیت

الف) بینامتنیت صریح

در این رابطه، «متن به شکل مستقیم و صریح از متن دیگر یاد می‌کند» (ساسانی، ۱۳۸۴: ۴۹) یعنی عناصری از متن متقدم عیناً در متن متأخر حاضر و گاهی با علائمی از قبیل گیومه و ... از بخش‌های دیگر متن متمایز است یا مؤلف آن را به دلیل آشکاری و شهرت منبع یا صاحب سخن، بدون ارجاع در اثر خود می‌گنجاند. این نوع بینامتنیت در ادب فارسی و عربی شامل نقل قول، تضمین، استشهاد، اقتباس، درج، عقد، ارسال‌المثل و ... می‌شود.

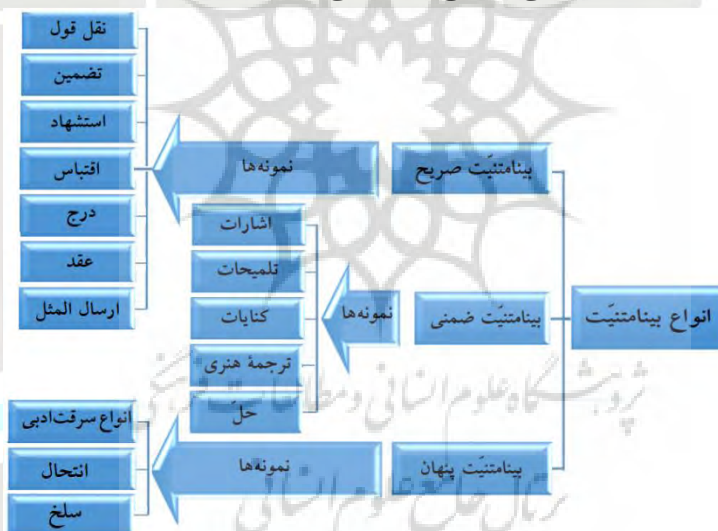


ب) بینامتنیت ضمنی

در این نوع بینامتنیت، نویسنده به دلایلی از قبیل اغراض بلاغی و ادبی، عناصر متن متقدم را به صورت عینی در متن خویش نیآورده‌است. در نتیجه به دلیل ضمنی بودن رابطه بینامتنی، فقط خواننده آشنا به مآخذ با تکیه بر نشانه‌های دلالتگر می‌تواند این رابطه را کشف کند. این نوع بینامتنیت در ادب فارسی و عربی انواعی چون اشارات، تلمیحات، کنایات، ترجمه هنری، حل و ... را دربرمی‌گیرد.

ج) بینامتنیت پنهان

در این نوع بینامتنیت عناصر متن متقدم، عیناً یا به صورت پنهان و با تصرف و تغییر و بدون ذکر مأخذ یا صاحب سخن در متن متأخر حاضر می‌شود. لازمه درک این نوع بینامتنیت نیز آشنایی با متون و مآخذ متقدم است. ترجمه عینی مطلب و درج آن بدون ارجاع و انواع سرقت ادبی از قبیل انتحال، مسخ و اغاره، سلخ و المام، از نمونه‌های بینامتنیت پنهان در ادب فارسی و عربی به‌شمار می‌روند.



شکل ۲ (انواع بینامتنیت)

۲-۱-۵- شرایط مطالعه رابطه بینامتنی

مطالعه روابط بینامتنی مستلزم شرایط زیر است:

- وجود متن‌ها و تمرکز بر روی «متنیت» آن‌ها.
- وجود قرائن و شواهد دال بر ارتباط بین متون.
- وجود رابطه هم‌حضوری بین متون (ن.ک. نامور مطلق، ۱۳۹۵: ۳۳ و ۳۴).

۳-۱-۵- مراحل مطالعه رابطه بینامتنی

مطالعه روابط بینامتنی مراحل دارد که به ترتیب زیر است:



- ارائه دلایل مبتنی بر تأثیرپذیری متن.
- شناسایی، جمع‌آوری و احصاء موارد هم‌حضوری و اشتراک.
- دسته‌بندی و گونه‌شناسی عناصر هم‌حضور برای تعیین میزان و نوع هم‌حضوری.
- تحلیل موارد هم‌حضوری از دید فرم و محتوا.
- تعیین رابطه کلان متن الف و ب (ن.ک. همان: ۳۵ - ۳۷).

۶- ادبیات تعلیمی

ادبیات تعلیمی ادبیاتی است که تربیت انسان‌ها و سعادت آن‌ها هدف اصلی آن به شمار می‌رود. این نوع ادبی نیکیبختی انسان را در بهبود منش‌های اخلاقی او می‌داند و هم خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی وی می‌کند و «در مرحله‌ای پیدامی‌شود که فرد و جامعه به مراتبی از علم می‌رسند و سابقه آن در ادب اغلب ملل دیرینه است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۰۳). اغلب آثار ادبی فارسی مشحون از زمینه‌های تعلیمی است «حتی ادب درباری نیز در موارد بسیاری مایه‌های تعلیم اخلاق به خود گرفته‌است» (همان: ۱۱۸). در نثر تعلیمی «نویسنده حکم معلم را دارد و اگر تعلیم خود را در حد اعتدال، تخیل‌انگیز نماید و بدان چاشنی ذوق ببخشد، کلام وی کمتر مایه ملالت خواهد بود و بیشتر در اذهان متعلمان مستعد آگاه تأثیر خواهد گذاشت» (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۳۰).

ادبیات اخلاقی که شامل دعوت به کار نیک، اندرزها و راهنمونی‌ها برای داشتن روش صحیح زندگی و گفتارهایی درباره دین و اصول آن است. این گونه نوشته‌ها را اندرز یا پندنامک می‌نامیدند (ن.ک. ریپکا و دیگران، ۱۳۸۱: ۶۶).

عنصرالمعالی که پند حکما را توتیای چشم خرد (ن.ک. عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۴۹)، و مایه قوت آن (ن.ک. همان: ۲۶۳) می‌داند، به اهمیت ادب تعلیمی واقف بوده و در کتاب قابوس نامه، که از شاهکارهای پندنامه‌های فارسی است، به صورت مستقیم و غیرمستقیم امثال و اقوال مشاهیر فرهنگ و تمدن بشری را به مناسبت باب و موضوع نقل و مطلب خود را به کمک آن‌ها تبیین می‌کند.

۷- حکمت و بلاغت نبوی در ادب تعلیمی عربی و فارسی

رسول مکرم اسلام (ص) خزانه حکمت «انا دار الحکمة و علی بابها» (ابونعیم الإصفهانی، ۱۴۲۳: ۱۲۳/۱) و مثل‌اعلای فصاحت و بلاغت و احادیث ایشان به دلیل اشتغال بر معارف الهی و تعالیم انسانی کم‌نظیر بود «کان (ص) أفصح الناس منطقیاً و أحلاهم کلاماً» (الغزالی، ۱۴۱۹: ۵۸۳/۲) و زبان‌آوران عرصه ادبیات به عجز خود در برابر کلام بی‌مثال وی چنین اعتراف کرده‌اند: «هو أفصح العرب لساناً و أكملهم بیاناً، فکم فی ایراده و إصداره من مثل یعجز عن مباراته فی البلاغة کل بطل» (الأبشیهی، ۱۴۲۱: ۵۰/۱). لذا ادبا و شعرا برای تحصیل ملکه بلاغت و آرایش گفتار خود در حفظ و ایراد احادیث کوشیده‌اند (ن.ک. فروزانفر، ۱۳۶۱: ب).



حضرت محمد(ص) - که وجود مبارکش حائز سه جنبهٔ اساسی ادبِ نفس، ادبِ زبان و ادبِ جوارح بوده - طهارتِ دل، تزکیه و تأدیبِ جسم و تربیتِ زبان را سه جنبهٔ مهمّ تعلیم و تربیت انسان شمرده‌اند. تأثیر دیدگاه‌های تعلیمی پیامبر(ص) چنان است که می‌توان گفت: منشأ نظری و عملی تربیت در ادب تعلیمی عالم اسلام «اخلاق و احوال نبوی و اقوال او» افعال مصطفوی است. هر مُتابعی به قدر مُتابعیت، از آداب او نصیبی یافته. پس کمال آداب، مُستفاد بود از کمال مُتابعیت» (کاشانی، ۱۳۸۱: ۲۰۸) پس مسلمانان برای رسیدن به کمال ادب و اخلاق باید متخلّق به خُلق نبوی «وَ أَنْتَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴) شوند. در ادب فارسی نیز وجوه سه‌گانهٔ ادب و تربیت آن حضرت، الگوی ارزشمندی برای ادبا بوده‌است.

از اواخر قرن چهارم که «فرهنگ ایرانی به صبغهٔ اسلامی جلوه‌گری آغاز نهاد و پایهٔ تعلیمات بر اساس ادبیات عربی و مبانی دین اسلام قرار گرفت، بالطبع توجه شعرا و نویسندگان به نقلِ الفاظ و مضامین حدیث فزونی گرفت» (فروزانفر، ۱۳۶۱: د). عنصرالمعالی اثر ارزشمند خود را در دوره‌ای تألیف کرده که «آیات قرآنی و اخبار و احادیث تنها به همان مقدار در نثر نقل می‌شد که رشتهٔ کلام به اقتضای معنا بدان می‌پیوست» (خطیبی، ۱۳۷۵: ۱۲۷). او که قابوس‌نامه را در ساحتِ اندیشه و بلاغت به کلام گهربار حضرت ختمی مرتبت آراسته و بدین ترتیب زیبایی و تأثیرگذاری اثر خود را تعالی داده است، در باب ارزش و اهمیت سخنان پیامبر اکرم(ص)، به نویسندگان چنین توصیه می‌کند: «نامهٔ خود را به استعارت و آیات قرآن و اخبار رسول علیه‌السلام آراسته دار» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۰۸).

۸- عنصرالمعالی و قابوس‌نامه

قابوس‌نامه از کتب برجستهٔ سبک بینابین محسوب می‌شود. جامعیت موضوعی آن حاکی از اهمیت ابواب و جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت نزد اندیشمندان و حکمای قرن پنجم و اتمام آن‌ها برای پی‌ریزی نظامی اسلامی-ایرانی برای تربیت جوانان است. این کتاب به اذعان پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزهٔ فرهنگ و ادب فارسی از برجسته‌ترین آثار اسلامی-ایرانی در حوزهٔ تعلیم و تربیت است که به خاطر زبان ساده، محتوای غنی، تنوع موضوعی و فرهنگی و اشتغال بر امثال و حکم به عنوان عصارهٔ تجربهٔ بشری بهترین متن برای پرورش همه‌جانبهٔ جوانان به‌شمار می‌رود.

از آن جایی که عنصرالمعالی فردی بسیار معتقد و مقید به مبانی دین اسلام و سیرهٔ پیامبر اکرم(ص) بود، آموزه‌های تعلیمی-تربیتی نبی مکرم اسلام(ص) بویژه آن‌هایی که به دلیل اهمیت بسیار و زیبایی ساختاری و محتوایی حکم مثل سائر یافته‌اند با روش‌های مختلف بینامتنی در مواضع مختلف کتاب بازتاب یافته است، که نشان‌دهندهٔ داد و ستد متنی قابوس‌نامه با منابع معتبر احادیث و اقوال نبوی است.

۹- شواهد بینامتنی حضور تعلیم پیامبر اسلام(ص) در قابوس‌نامه

* «خدای تعالی، را سزای او نتوانی ستودن» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۱).



پیامبر اکرم (ص): «لَأُحْصِيَ ثَنَاءَ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ» (الغزالی، ۱۴۱۹: ۱۷۹/۱- میبیدی، ۱۳۸۲: ۵۸۳/۵).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

* «در آلاء و نعمای آفریدگار اندیشه کن و در آفریدگار اندیشه مکن... چنان که پیغامبر (ص) گفت:

تَفَكَّرُوا فِي آلاءِ اللَّهِ وَ نِعَمَائِهِ وَ لَا تَتَفَكَّرُوا فِي اللَّهِ» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۱۱ و ۱۰).

پیامبر اکرم (ص): «تَفَكَّرُوا فِي آلاءِ اللَّهِ وَ لَا تَتَفَكَّرُوا فِي اللَّهِ» (السیوطی، ۱۴۰۱: ۵۱۵/۱).

نوع بینامتنیت: صریح (نقل قول)

* «ایزد، تعالی، جهان را نه از بهر نیاز خویش آفرید و نه برخیره آفرید. چه بر موجب عدل

آفرید» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۱۲).

پیامبر اکرم (ص): «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ» (نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

* «نماز را خداوند شریعت ما برابر کرد با همه دین. هر آن کس که نماز [را] دست‌باز داشت، دین را دست-

باز داشت» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۱۷).

پیامبر اکرم (ص): «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ فَلَا دِينَ لَهُ وَ الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ» (العجلونی، ۱۴۲۲: ۲۷/۲).

پیامبر اکرم (ص): «الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ مَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ هَدَمَ الدِّينَ» (همان - ن. ک. میبیدی، ۱۳۸۲: ۴۷/۱).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

* «به اجماع همه خردمندان، نه دولتی است قوی‌تر از دولت اسلام و نه امری است روان‌تر از امر

اسلام» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۱۸).

پیامبر اکرم (ص): «إِلَّا إِسْلَامٌ يَعْلُو وَ لَا يُعْلَى» (السیوطی، ۱۴۰۱: ۴۷۴/۱- العجلونی، ۱۴۲۲: ۱۱۲/۱).

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

* «به تازی گفته‌اند: «لَيْسَ الْخَبْرُ كَالْمُعَايَنَةِ» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۲۰).

پیامبر اکرم (ص): «لَيْسَ الْخَبْرُ كَالْمُعَايَنَةِ» (المکئی، ۱۴۱۷: ۲۱۳/۱- ابن‌الجوزی، ۲۰۰۵: ۸۵).

نوع بینامتنیت: صریح (ارسال‌المثل)

* «با پدر و مادر خویش چنان باش که از فرزندان خویش طمع‌داری که با تو باشند» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۲۵)

و «اکنون تو از من هم‌چندان شنوی که من از پدر خویش شنودم» (همان: ۱۵۶).

پیامبر اکرم (ص): «بِرُّوا آبَائَكُمْ يَبْرُكُمْ أَبْنَائُكُمْ» (الخطیب‌البغدادی، ۱۴۲۴: ۲۳۳/۵- السیوطی، ۱۴۰۱: ۴۸۵/۱ و

۱۵۶/۲).

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)



- * «پیغامبر... گفت: أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ لَا فَخْرَ» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۵)
پیامبر اکرم (ص): «أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ لَا فَخْرَ» (میبدی، ۱۳۸۲: ۲۷۹/۴)
نوع بینامتنیت: صریح (نقل قول)
- * «آن چه روزی تو باشد به تو رسد که روزی مقسوم است؛ به هر کس آن رسد که در ازل قسمت کرده-
شده است» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۶).
پیامبر اکرم (ص): «لَا تَكْثُرْ هَمَّكَ، مَا يُقَدَّرُ يَكُنْ، وَ مَا تُرْزَقُ يَأْتِكَ» (ابن حمدون، ۱۹۹۶: ۱۲۸/۳).
نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)
- * «به کسی منگر که حال او از حال تو بهتر باشد، بدان کسی نگر که حال او از حال تو بتر باشد تا دایم
از خدای تعالی خشنود باشی» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۶).
پیامبر اکرم (ص): «أَنْظُرْ مَنْ هُوَ دُونَكَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ، فَإِنَّهُ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَزْدَرِيَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ» (الراغب-
الإصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۱۷/۲ - السیوطی، ۱۴۰۱: ۴۱۸/۱ - ابونعیم الإصفهانی: ۱۴۲۳: ۱/۱۷۷)
نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)
- * «توانگری خرد از توانگری مال بهتر باشد» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۶).
پیامبر اکرم (ص): «يَسَارُ النَّفْسِ أَفْضَلُ مِنْ يَسَارِ الْمَالِ» (العجلونی، ۱۴۲۲: ۷۵/۲).
نوع بینامتنیت: پنهان (ترجمه عینی)
- * گفته‌اند: «الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كِفَاعِلُهُ» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۹).
پیامبر اکرم (ص): «الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كِفَاعِلُهُ» (الثعالبی، ۲۰۰۳: ۲۶ - ابن الجوزی، ۲۰۰۵: ۸۷ - الغزالی، ۱۴۱۹:
۳۳/۱).
نوع بینامتنیت: صریح (ارسال المثل)
- * «از جای تهمت زده پرهیز کن» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۹).
پیامبر اکرم (ص): «إِتَّقُوا مَوَاضِعَ التَّهْمِ» (الغزالی، ۱۴۱۹: ۵۶/۳ - العجلونی، ۱۴۲۲: ۳۷/۱).
نوع بینامتنیت: پنهان (ترجمه عینی)
- * «پیرانِ قبیله خویش را حرمت‌دار چنان که رسول (ص) گفت: «الشَّيْخُ فِي قَوْمِهِ كَالنَّبِيِّ فِي
أُمَّتِهِ» (عنصرالمعالی، ۱۳۱۲: ۲۲).
پیامبر اکرم (ص): «الشَّيْخُ فِي قَوْمِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ» (نجم‌الدین رازی، ۱۳۸۰: ۲۲۶).
نوع بینامتنیت: صریح (ارسال المثل)
- * «سرمایه همه نیکی‌ها اندر دانش و ادبِ نفس و ... شرمگنی شناس... گفته‌اند: «الْحَيَاءُ مِنْ
الإيمان» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۳۵).



پیامبر اکرم (ص): «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ» (ابن القضاة، ۱۳۷۷: ۸۲/۱ - مستملی بخاری، ۱۳۷۳: ۸۲۷/۲ - القشیری، ۲۰۰۰: ۳۴۲)

نوع بینامتنیت: صریح (ارسال المثل)

* «شرمگینی نتیجه ایمان است» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۳۶).

پیامبر اکرم (ص): «الْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ» (ابن عبدربه، ۱۹۸۹: ۲۳۷/۲ - الراغب الإصفهانی، ۱۴۱۶: ۲۸۴/۱ - الثعالبی، بی تا: ۲۲).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ارسال المثل)

* «گفته اند: كُلُّ طَائِرٍ يَطِيرُ مَعَ شِكْلِهِ» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۳۷).

پیامبر اکرم (ص): «النَّاسُ أَجْناسٌ كَأَجْناسِ الطَّيْرِ كُلُّ طَائِرٍ يَطِيرُ إِلَى شِكْلِهِ» (مستملی بخاری، ۱۳۷۳: ۸۴۳/۲).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ارسال المثل)

* «بد آموختن دوم بدی کردن است» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۳۷).

پیامبر اکرم (ص): «الدَّالُّ عَلَى الشَّرِّ كَفَاعِلِهِ» (المکئی، ۱۴۱۷: ۷۵/۲ - الغزالی، ۱۴۱۹: ۹۱/۵).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

* «مرد پسندرای خویش همیشه پشیمان بود.» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۳۹).

پیامبر اکرم (ص): «مَا نَدِمَ مَنْ اسْتَشَارَ» (ابن عبدربه، ۱۹۸۹: ۶۶/۱ - الآبی، ۱۴۲۴: ۱۲۶/۱ - العجلونی، ۱۴۲۲: ۱۶۶/۲)

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

* «در همه شغلی میانه باش، که صاحب شریعت ما (ص) گفت: خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَاطُهَا» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۴۶).

پیامبر اکرم (ص): «خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَاطُهَا» (الثعالبی، ۱۴۲۸: ۴۴ - الماوردی، ۱۴۲۵: ۲۴ - ابن حمدون، ۱۹۹۶: ۲۴۲/۱ و ۵۶/۷ - الغزالی، ۱۴۱۹: ۹۱/۳ و ۲۶۸).

نوع بینامتنیت: صریح (ارسال المثل)

* «سخن یک گونه گوی؛ با خاص خاص و با عام عام تا از حد حکمت بیرون نباشی» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۴۷).

پیامبر اکرم (ص): «نحن معاشر الانبياء أمرنا أن ننزل الناس منازلهم و نكلّمهم على قدر عقولهم» (الغزالی، ۱۴۱۹: ۱۰۷/۱)

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

* «پیران را حرمت دار» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۵۸).



پیامبر اکرم (ص): «وَقَرُوا كِبَارَكُمْ» (صدوق، ۱۳۸۴: ۱۵۰).

نوع بینامتنیت: پنهان (ترجمه عینی)

* «در وقت پیری جوانی نه‌زبید چنان که جوانان را پیری کردن نه‌زبید» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۵۹) و «چون پیرشدی از محال جوانی دور باش که هر که به مرگ نزدیک‌تر بود باید که از محال جوانی دور‌تر بود» (همان: ۶۰) و «نباید که پیر به عقل و فعل جوانان باشد» (همان: ۶۰).

پیامبر اکرم (ص): «شِرَارُ شُبُوحِكُمُ الْمُتَشَبِّهُونَ بِشَبَابِكُمْ» (الماوردی، ۱۴۲۵: ۶۸).

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

* «پیری علّتی است که هیچ طبیب داروی آن نداند الا مرگ.» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۶۰)

پیامبر اکرم (ص): «لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ اِلَّا الْهَرَمَ.» (الزمخشری، ۱۴۱۰: ۱۲۷/۵)

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

* «بر سرِ نان با مردمان حدیث‌همی‌کن چنان که در شرطِ اسلام است و لکن سر درپیش افکنده‌دار و در لقمه مردمان منگر» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۶۵).

پیامبر اکرم (ص): «وَ اَنْ لَا یَصْمُتُوا عَلَی الطَّعَامِ فَاِنَّهُ مِنْ سِیرَةِ الْعَجَمِ فَلِیَتَكَلَّمُوا بِالْمَعْرُوفِ» (المکی، ۱۴۱۷: ۳۰۳/۲) و «لَا یَتَبَعَنَّ اَحَدُكُمْ بَصْرَهُ لِقَمَةِ اَخِيهِ» (باخرزی، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

* «رسم محتشمان دوگونه است: بعضی نخست کاسه خویش فرمایندنهادن، آن وقت از آن قوم و بعضی نخست آن قوم فرمایندنهادن، آنکه آن خویش و این نیکوتر، که این طریق گرم است و آن طریق سیاست» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۶۵ و ۶۶).

پیامبر اکرم (ص): «اَكْلَى ضَيْفِكَ فَالضَيْفُ یَسْتَحِیُّ اَنْ یَاكُلَ وَحْدَهُ وَ كَانَ مَلُوكِ الْهِنْدِ یُؤَاكِلُونَ اَضِیَافَهُمْ وَ مَلُوكِ الْفُرْسِ یَأْكُلُونَ بَعْدَهُمْ» (الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۶: ۶۵۲/۲).

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

* «گفته‌اند که: «اَلْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِیْسِ السَّوْءِ»» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۶۷).

پیامبر اکرم (ص): «اَلْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِیْسِ السَّوْءِ» (الثعالبی، ۲۰۰۳: ۲۹- الثعالبی، بی‌تا: ۲۳).

نوع بینامتنیت: صریح (ارسال المثل)

* پیرزنی... از رسول علیه‌السلام پرسید که: ... من بهشتی خواهم بود یا دوزخی؟ ... پس پیغامبر (ص) گفت بر روی مزاح که در آن جهان، هیچ پیرزن اندر بهشت نباشد. آن پیرزن دلتنگ شد و بگریست. آنکه رسول علیه‌السلام تبسم کرد و گفت: مگری که سخن من خلاف نباشد، راست گفتم که هیچ پیرزن در بهشت نباشد، از آن که روز قیامت همه خلق از گور جوان خیزند (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۷۸).



پیامبر اکرم (ص): «إِنَّ الْجَنَّةَ لَا يَدْخُلُهَا عَجُوزٌ! فَبَكَتِ الْمَرْأَةُ وَ ضَحَكَ النَّبِيُّ وَ قَالَ: أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ نِسَاءً فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَاراً عُرْباً أَتْرَاباً» (الراغب الإصفهانی، ۱۴۱۶: ۲۸۲/۱ - الزمخشری، ۱۴۱۰: ۱۷۳/۵ - الغزالی، ۱۴۱۹: ۲۰۵/۳ - الأبشیهی، ۱۴۲۱: ۲/۴۲۰).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

* «خبر: مَنْ أَشْبَهَ أَبَاهُ فَمَا ظَلَمَ» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۸۰).

پیامبر اکرم (ص): «مَنْ أَشْبَهَ أَبَاهُ فَمَا ظَلَمَ» (ابن عبدربه، ۱۹۸۹: ۴۸/۳).

نوع بینامتنیت: صریح (ارسال المثل)

* «بر مرده قلم نیست بر خفته هم قلم نیست» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۹۰).

پیامبر اکرم (ص): «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ: عَنْ صَبِيٍّ حَتَّى يَبْلُغَ وَ عَنْ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَ عَنْ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيقَ» (میبدی، ۱۳۸۲: ۱۹۲/۲).

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

* حکیمان چنین گفته‌اند: که شبان روزی بیست و چهار ساعت [باشد...]; دوبهر بیدار باشی و بهری خفته. هشت

ساعت به طاعتِ خدای تعالی و به کدخدایی خود مشغول باید بودن و هشت ساعت به طیبیت و عشرت و تازه‌داشتن روح خویش و هشت ساعت ببايد آرمید (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۹۱).

پیامبر اکرم (ص): «عَلَى الْعَاقِلِ مَا لَمْ يَكُنْ مَغْلُوباً عَلَى عَقْلِهِ أَنْ تَكُونَ لَهُ سَاعَاتٌ؛ سَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يُفَكِّرُ فِيهَا فِي صُنْعِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ سَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا بِحَاجَتِهِ مِنَ الْمَطْعَمِ وَ الْمَشْرَبِ» (ابونعیم الإصفهانی، ۱۴۲۳: ۲۲۲/۱ - میبدی، ۱۳۸۲: ۳۸۰/۱).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

* «هر که با آفتاب برآمدن بر خیزد، تنگ‌روزی بود» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۹۳).

پیامبر اکرم (ص): «الصَّبْحَةُ تَمْنَعُ الرِّزْقَ» (الآبی، ۱۴۲۴: ۱۷۰/۱ - ابن القضاعی، ۱۳۷۷: ۳۷/۲ - بحر الفوائد، ۱۳۴۵: ۲۲۵).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

* «اسراف‌نکنی در کارها که اسراف مبارک نبود» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۱۰۲) و «عاقبت مُسْرِفِ همه زیان است» (همان: ۱۰۵).

پیامبر اکرم (ص): «لَيْسَ فِي السَّرْفِ شَرَفٌ» (الراغب الإصفهانی، ۱۴۱۶: ۴۹۵/۲).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

* «حکیمان گفته‌اند: کوشا باشید تا آبادان باشید» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۱۰۴).

پیامبر اکرم (ص): «فِي الْحَرَكَاتِ الْبَرَكَاتُ» (العجلونی، ۱۴۲۲: ۸۲/۲ - ن.ک. ابن حمدون، ۱۹۹۶: ۲۴۳/۱).



نوع بینامتنیت: ضمنی (ارسال المثل)

* «وام خواستن ذلیلی و کم‌آزمی بود» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۰۶)

پیامبر اکرم (ص): «الَّذِينَ هُمْ بِاللَّيْلِ وَمَذَلَّةٍ بِالنَّهَارِ» (السیوطی، ۱۴۰۱: ۶۶۱/۱)

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

* «چیزِ خویش را از آنِ خویش دان و چیزِ دیگران از آنِ دیگران، تا به امانت معروف‌شوی و مردم را بر تو اعتماد افتد و از این قبل همیشه توانگر باشی» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۰۷) و «امانت را کار بند که امانت را کیمیای زر گفته‌اند و همیشه توانگر زی» (همان: ۱۱۰).

پیامبر اکرم (ص): «الْأَمَانَةُ غِنَى» (الزمخشری، ۱۴۱۰: ۳۴۴/۵ - السیوطی، ۱۴۰۱: ۴۷۶/۱).

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

* «پیغامبر ما صلی الله علیه [و آله] و سلم گفت: رُدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۰۸).

نوع بینامتنیت: عینی (نقل قول)

* «تا بتوانی هرگز سوگند بدروغ و راست مخور» (قابوسنامه: ۱۱۰) و «سوگند بدروغ مخور» (قابوسنامه: ۲۴۱).

پیامبر اکرم (ص): «لَا تَحْلِفْ بِاللَّهِ كَاذِبًا وَلَا صَادِقًا مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۷/۷۴).

نوع بینامتنیت: پنهان (ترجمه عینی)

* «کم‌عیالی دوم توانگری است» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۱۹).

پیامبر اکرم (ص): «قَلْبُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ» (ابن‌القضای، ۱۳۷۷: ۱۷/۱ - الغزالی، ۱۴۱۹: ۴۰/۲ - السیوطی، ۱۴۰۱: ۵۲۱/۱ - مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۱/۷۱).

نوع بینامتنیت: صریح (ارسال المثل)

* «اول به همسرایه نگه‌کن که کیست که گفته‌اند: مَثَلُ الْجَارِ ثُمَّ الدَّارِ» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

پیامبر اکرم (ص): «الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ» (الثعالبی، ۲۰۰۳: ۲۸).

نوع بینامتنیت: صریح (ارسال المثل)

* «همسرایه مصلح‌گزین و حق و حرمت همسایه نگه‌دار. خبر: الْمُؤْمِنُ مَنْ آمَنَ جَارُهُ بَوَائِقَهُ» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

پیامبر اکرم (ص): «الْمُؤْمِنُ مَنْ آمَنَ جَارُهُ بَوَائِقَهُ» (مستملی بخاری، ۱۳۷۳: ۱۰۳/۱ و ۱۰۴۴/۳).

نوع بینامتنیت: صریح (نقل قول)

* «الْجَارُ أَحَقُّ بِصَفْتِهِ» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۲۱: پاورقی ۶)

پیامبر اکرم (ص): «الْجَارُ أَحَقُّ بِصَفْتِهِ» (الراغب‌الإصفهانی، ۱۴۱۶: ۴۷۳/۲).



نوع بینامتنیّت: صریح (ارسال المثل)

نکته: این مَثَل در چاپ یوسفی به دلیل ابهام ناشی از عدم اطلاع از آبخور حدیثی متن به پاورقی منتقل شده است، کاتبان و نسخه‌نویسان نیز به دلیل عدم اطلاع از رابطه بینامتنی قابوس‌نامه و احادیث نبوی، در کتابت متن به خطا رفته‌اند و مصححان که با نسخه‌بدل‌های مغشوش و مغلوطی مواجه بوده‌اند، از راه یافتن به متن متقدم (احادیث مربوط به حقوق همسایه) بازمانده، نسخه‌بدل‌های نادرست را با توسّل به توجیّهات عجیب و غریب آورده‌اند. نفیسی در چاپ خود «الجارُ أَحَقُّ» آورده، که جمله‌ای ناقص و ایتر است (ن.ک. عنصرالمعالی، ۱۳۱۲: ۸۶). و دهخدا به جای «صفت»، «صنعه» آورده است که تصحیح ایشان نیز گرهی از حقیقت متن نگشوده است (ن.ک. دهخدا، ۱۳۸۳: ۲۳۹/۱). در حالی که حدیث فوق به خوبی نشان می‌دهد که «صفت» از «صنعه» و «صنعه» درست‌تر است.

* «چون زن کنی طلب مال زن مکن و طلب غایت نیکویی زن مکن... زن پاک‌روی و پاک‌دین باید و کدبانو و شوی‌دوست و پارسا و شرمناک و کوتاه‌دست و کوتاه‌زبان و چیز نگاه‌دارنده باید» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۲۹ و ۱۳۰).

پیامبر اکرم (ص): «تُنكحُ المرأةُ لِدِينِها وَ لِمَالِها وَ حَسَبِها وَ حُسْنِها، فَعَلَيْكَ بِذاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ يَدَاكَ» (الراغب-الإصفهانی، ۱۴۱۶: ۲۰۲/۳- ن.ک. السیوطی، ۱۴۰۱: ۵۱۷/۱).

نوع بینامتنیّت: ضمنی (تلمیح)

* «هر که را غیرت نباشد وی را دین نباشد» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

پیامبر اکرم (ص): «الغیرةُ مِنَ الإیمان» (ابن‌عبدربه، ۱۹۸۹: ۲۸۳/۶- الآبی، ۱۴۲۴: ۱۴۵/۱- ابن‌القضاعی، ۱۳۷۷: ۸۱/۱).

نوع بینامتنیّت: ضمنی (تلمیح)

* از جمله حق‌های پدران بر فرزندان یکی آن است که او را نام خوش نهد. دوم آن که: به دایگان عاقل و مهربان سپارد و به وقت سنّت کردن سنّت کنی و به حسب طاقّت خویش شادی کنی. و قرآنش بیاموزی تا حافظ قرآن شود. و چون بزرگتر شود، اگر رعیت باشی وی را پیشه‌ای بیاموزی و اگر اهل سلاح باشی، به معلّم سلاح دهی تا سواری و سلاح شوریدن بیاموزد و بداند که به هر سلاحی کار چون باید کردن. و چون از سلاح آموختن فارغ گردی باید که فرزند را شناو کردن بیاموزی (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۳۲ و ۱۳۳).

پیامبر اکرم (ص): «مِنَ حَقِّ الوالدِ عَلَى الوالدِ أَنْ يُحسِنَ اسمَهُ» وَ «يُعَلِّمُهُ كتابَ الله وَ السَّبَّاحَةَ وَ الرَّمِيَّ» (الراغب-الإصفهانی، ۱۴۱۶: ۳۲۷/۱) «وَ يُحسِنَ مَرَضِعَهُ» (القشیری، ۲۰۰۰: ۴۳۴).

نوع بینامتنیّت: ضمنی (تلمیح)

* «فرزندان مردمان خاصه را به از هنر و ادب و فرهنگ نیست» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۳۵).

پیامبر اکرم (ص): «مَا نَحَلَ وَالِدٌ أَفْضَلَ مِنْ أَدبِ حَسَنِ» (ابن‌مسکویه، ۱۳۵۸: ۱۰۵- ابن‌الجوزی، ۲۰۰۵: ۸۵- الراغب‌الإصفهانی، ۱۴۱۶: ۴۷/۱).



نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

* «عادت کن که هر وقت دوستی نو گرفتن، ازیرا که با دوستانِ بسیار، عیب‌های مردم پوشیده شود و هنرها گستریده گردد» (عنصرالمعالی، ۱۳۱۲: ۱۰۰).

پیامبر اکرم (ص): «عَلَيْكُمْ يَا خَوَانَ الصَّدَقِ فَإِنَّهُمْ زِينَةٌ فِي الرَّخَاءِ وَ عِصْمَةٌ فِي الْبَلَاءِ» (المأوردی، ۱۴۲۵: ۱۵۷).
نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

* «دوست بی‌خرد از دشمن بخرد بتر بود» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۴۰).

پیامبر اکرم (ص): «عَدُوٌّ عَاقِلٌ خَيْرٌ مِنْ صَدِيقٍ جَاهِلٍ» (العجلونی، ۱۴۲۲: ۵۳/۲).
نوع بینامتنیت: صریح (ارسال المثل)

* «چرب‌گویی دوم جادوی است» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۴۹).

پیامبر اکرم (ص): «إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا» (الحصری‌القیروانی، ۱۴۲۴: ۲۸/۱ - ابن‌مسکویه، ۱۳۵۸: ۱۰۷ - الثعالبی، ۲۰۰۳: ۲۸ - الميدانی، ۱۴۲۴: ۷/۱ - السیوطی، ۱۴۰۱: ۳۷۵/۱).
نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

* «گفته‌اند: «سه کس بجای رحمت باشند؛ خردمندی که زیردست [ابی‌]خردی باشد و قویئی که ضعیفی برو مستولی باشد و کریمی که محتاج لئیمی باشد» (عنصرالمعالی، ۱۳۱۲: ۱۱۱).

پیامبر اکرم (ص): «إِرْحَمُوا مِنَ النَّاسِ ثَلَاثَةً: عَزِيزٌ قَوْمٍ ذَلَّ، وَ غَنِيٌّ قَوْمٍ افْتَقَرُوا، وَ عَالِمٌ بَيْنَ جَهْلَالٍ» (العجلونی، ۱۴۲۲: ۱۰۱/۱ - الراغب‌الإصفهانی، ۱۴۱۶: ۴۴/۱ و ۵۰۵/۲ - ابن‌مسکویه، ۱۳۵۸: ۱۰۴ - ابن‌قتیبۀ‌الدینوری، ۱۴۲۴: ۱۳۹/۱ - ابن‌عبدربه، ۱۹۸۹: ۸۳/۲ - الزمخشری، ۱۴۱۰: ۴۵۹/۲ - الآبی، ۱۴۲۴: ۱۱۲/۱).
نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

* «در سخن‌گفتن و موعظه‌دادن هر چه گویی با خوف و رجا گوی، یک‌باره خلق را از رحمت‌خدای تعالی، نومیدمکن و نیز یک‌باره بی‌طاعت هیچ‌کس را به بهشت مفرست» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۶۱) و «عام را بر گناه دلیر نکند» (عنصرالمعالی، ۱۳۱۲: ۱۸۳) «و نیز از رحمت‌خدای تعالی کس را نومید نکند که هر فقیهی که بدین صفت بود، هم مردم بود و هم جوانمرد» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۵۰).

پیامبر اکرم (ص): «پیامبر اکرم (ص): «أَلَا أَنْبِئُكُمْ بِالْفَقِيهِ كُلِّ الْفَقِيهِ؟ قَالُوا: بَلَى، قَالَ: مَنْ لَمْ يُقْنِطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْيِسْهُمْ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ» (الغزالی، ۱۴۱۹: ۶۷/۱).
نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

* «گفته‌اند: الرفیق ثم الطریق» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۷۳).

پیامبر اکرم (ص): «الرفیق ثم الطریق» (الثعالبی، ۲۰۰۳: ۲۸).
نوع بینامتنیت: صریح (ارسال المثل)



- * «رسول علیه السلام گفته است که: أَلْعَلَمُ عَلِمَانُ: عِلْمُ الْأَدِيَانِ وَ عِلْمُ الْأَبْدَانِ» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۱۷۴). پیامبر اکرم (ص): «أَلْعَلَمُ عَلِمَانُ: عِلْمُ الْأَدِيَانِ وَ عِلْمُ الْأَبْدَانِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۰/۱). نوع بینامتنیت: صریح (نقل قول)
- * مولد مردم نه آن است بحقیقت که از مادر جدا شود که مولد اصلی، طالع زرع است وقت مسقط النطفه آن طالع که آب مرد اندر رحم زن افتد و قبول کند، آن طالع مولد اصلی است. نیک و بد همه بدان پیوسته است... و دلیل خبر رسول علیه السلام: «السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۱۸۷) پیامبر (ص): «السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» (باخرزی، ۱۳۸۳: ۲۱- مستملی بخاری، ۱۳۷۳: ۶۶۹/۲- ن.ک. نسفی، ۱۳۸۱: ۲۳۰) نوع بینامتنیت: صریح (ارسال المثل)
- * «صاحب شریعت، صلوات الله علیه، گفته است: خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۲۰۱). پیامبر اکرم (ص): «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ» (العجلونی، ۱۴۲۲: ۳۴۸/۱- شمس تبریزی، ۱۳۷۷: ۱۲۶). نوع بینامتنیت: صریح (نقل قول)
- * «برچاکران خویش برحمت باش و ایشان را از بد نگهبان باش که خداوند چون شبان است و کهتران چون رمه» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۲۲۹). پیامبر اکرم (ص): «أَلَا كَلَّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْؤُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ، فَالْأَمِيرُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْؤُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ» (الآبی، ۱۴۲۴: ۱۷۳/۱). نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)
- * «خانه ملک‌ان دادگر، دیر بماند و قدیمی گردد و خانه بیدادگران زود پست شود» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۲۳۳). پیامبر اکرم (ص): «الْمَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ» (نجم‌الدین رازی، ۱۳۸۰: ۴۶۶- الغزالی، ۱۳۶۷: ۸۲). نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)
- * «دروغ مگوی که همه ناجوانمردی اندر دروغ گفتن است» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۲۶۰). پیامبر اکرم (ص): «از دروغ بپرهیز که هر که دروغ گوید در دو جهان بدنام شود» (میبدی، ۱۳۸۲: ۲۸/۱۰). نوع بینامتنیت: ضمنی (اشاره)
- * «محتشم تر کسی آن بود که او را در جهان به کس نیاز نباشد و خوارتر و فرومایه تر کسی باشد که طامع و نیازمند است که از جهت طمع و نیاز، مرد خویشان را بنده چون خویشنی کند» (عنصر المعالی، ۱۳۸۰: ۲۶۱). پیامبر اکرم (ص): «الْحُرُّ عَبْدٌ إِذَا طَمِعَ وَالْعَبْدُ حُرٌّ إِذَا قَنِعَ» (الراغب الإصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۲۰/۲).



نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

جدول بسامد انواع روابط بینامتنی قابوس‌نامه با تعالیم نبوی

۵۹ مورد	۱۶ مورد	ارسال المثل	صریح
	۶ مورد	نقل قول	
	۱۶ مورد	ترجمه هنری	ضمنی
	۱۶ مورد	تلمیح	
	۱ مورد	اشاره	
۴ مورد	ترجمه عینی	پنهان	

۱۰- نتیجه‌گیری

پژوهش رابطه بینامتنی قابوس‌نامه و احادیث تربیتی حضرت محمد(ص) حاکی از نتایج زیر است:

- احادیث تربیتی پیامبر اسلام(ص) بویژه آن‌هایی که حکم مثل سائر یافته‌است، در ذهن جوّالِ عنصرالمعالی حضور داشته و در بخش چشمگیری از متن قابوس‌نامه نفوذ یافته، از لحاظ زبانی، فکری و بلاغی موجب ارتقاء ادبیت این کتاب و جذابیت آن در بافت اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی جامعه ایران اسلامی شده‌است.
- از دلایل تمثیل عنصرالمعالی به امثال نبوی، «مخاطب‌شناسی» وی است؛ بدین معنی که او «گروه هدف» این کتاب را -که فارسی‌زبانان مسلمان است- به خوبی می‌شناخته و از محبوبیت نبی مکرّم اسلام و گفتار وی نزد آنان آگاه بوده‌است و استفاده از اقوال ایشان به «دلربایی»، نفوذ و تأثیر سخن در دل‌های مخاطبان افزوده‌است.
- وفور تعالیم حکیمانه تربیتی، اجتماعی و اعتقادی پیامبر(ص) در قابوس‌نامه، نشان‌دهنده ارادت قلبی نویسنده به آن حضرت و التزام عملی وی به سنت نبوی و تأسی از ایشان در امر تعلیم و تربیت است.
- بسامد موضوعی تعالیم نبوی در قابوس‌نامه بدین ترتیب است: تعالیم اجتماعی با ۳۸ مورد در جایگاه نخست و آموزه‌های اعتقادی و فردی، به ترتیب با ۱۷ و ۳ مورد در مراتب بعدی قرار دارند. که این امر، نشان‌دهنده اهمیت اهمیت بالای جامعه در دین مبین اسلام و نقش تربیتی-اجتماعی احادیث مذکور در بنیان تعلیمی-تربیتی قابوس‌نامه است.



- بسامد انواع رابطه بینامتنی قابوس نامه با تعلیم نبوی از نظر انواع سه‌گانه صریح، ضمنی و پنهان نیز بدین صورت است که: بینامتنی ضمنی (با ۳۳ مورد) در مقایسه با بینامتنی صریح (با ۲۲ مورد) و بینامتنی پنهان (با ۴ مورد)، در جایگاه نخست قرار دارد. این نکته بیانگر نقش پررنگ بینامتنی ضمنی و گونه‌های متعدد آن از قبیل ترجمه هنری، تلمیح و ... در ادبیات متن و توجه نویسنده به ذخایر فرهنگی و ادبی و ظرفیت ادراک مخاطب پارسی‌زبان است.
- در تحلیل رابطه هم‌حضور عناصر متنی احادیث و امثال نبوی در قابوس نامه باید گفت که حضور ضمنی و هنری این عناصر، موجب مقبولیت بالای اثر، اقناع و ترغیب مخاطب شده است.
- در مورد رابطه کلان بینامتنی تعلیم نبوی با قابوس نامه، می‌توان گفت که متن قابوس نامه در تداوم تعلیم تربیتی- اجتماعی آن حضرت قرار دارد و جذب عناصر صوری و محتوایی آن‌ها موجب غنای همه‌جانبه اثر و تکمیل جوانب زبانی، ادبی، تربیتی، اجتماعی و معرفتی این کتاب شده است.





منابع

- قرآن کریم، (۱۳۸۷)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: کاشف.
- الآبی، منصور، (۱۴۲۴)، *نثر الدّر فی المحاضرات*، تحقیق خالد عبدالغنی محفوظ، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- آلن، گراهام، (۱۳۸۵)، *رولان بارت*، ترجمه پیام یزدان‌جو، چ ۱، تهران: مرکز.
- آلن، گراهام، (۱۳۹۷)، *بینامتنیت*، ترجمه پیام یزدان‌جو، چ ۶، تهران: مرکز.
- الأبشیهی، شهاب‌الدین، (۱۴۲۱)، *المستطرف فی کل فنّ مستطرف*، تحقیق محمد سعید، ط ۱، بیروت: دارالفکر.
- ابن الجوزی، ابوالفرج، (۲۰۰۵م)، *صفة الصّفوة*، تحقیق خالد مصطفی طرطوسی، ط ۱، بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن حمدون، محمد، (۱۹۹۶م)، *آلتذکره الحمدونیة*، تحقیق احسان عباس و بکر عباس، ط ۱، بیروت: دار صادر.
- ابن عبدربه، احمد، (۱۹۸۹م)، *العقد الفرید*، تحقیق علی شیری، ط ۱، بیروت: دار الإحیاء التراث العربی.
- ابن قتیبة‌الدینوری، ابومحمد، (۱۴۲۴)، *عیون الأخبار*، شرحه یوسف الطویل و مفید محمد قمیحه، ط ۳، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن القضاة، ابوالحسن، (۱۳۷۷)، *ترك الإطناب فی شرح الشهاب*، به اهتمام محمد شیروانی، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن مسکویه، ابوعلی، (۱۳۵۸)، *الحکمة الخالدة*، حقه و قدم له عبدالرحمن بدوی، چ ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- ابونعیم‌الإصفهانی، احمد، (۱۴۲۳)، *حلیة الأولیاء و طبقات الأصفياء*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، ط ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- الهامی، فاطمه، (۱۳۹۱)، «جایگاه قابوس‌نامه در قلمرو ادبیات تعلیمی»، *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*، س ۴، ش ۱۶، صص ۱۳۱-۱۵۸.
- امامی، فاطمه، (۱۳۹۹)، «نقد بینامتنی دو اثر ادبی بوستان و قابوس‌نامه»، *فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادب فارسی (دهخدا)*، ۱۲، ش ۴۵، صص ۲۵۷-۲۸۰.
- باخرزی، ابوالمفاخر، (۱۳۸۳)، *اوراد الاحباب و فصوص الآداب*، به کوشش ایرج افشار، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- بحر الفوائد*، (۱۳۴۵)، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- الثعالبی، عبدالملک، (بی‌تا)، *الإعجاز و الإیجاز*، مقدّمه اسکندر آصاف، ط ۱، بیروت: دار صادر.
- الثعالبی، عبدالملک، (۲۰۰۳م)، *التمثیل و المحاضرة*، تحقیق قُصی الحسین، ط ۱، بیروت: دار و مكتبة‌الهلال.
- الثعالبی، عبدالملک، (۱۴۲۴)، *المحاسن و الأصداد*، تحقیق صلاح الدین الهواری، ط ۱، بیروت: المكتبة‌العصریة.
- الثعالبی، عبدالملک، (۱۴۲۸)، *خاص‌الخاص*، تحقیق درویش الجویدی، ط ۱، بیروت: المكتبة‌العصریة.



الجاحظ، عمرو بن بحر، (۱۴۲۳)، *البيان والتبيين*، تحقیق ابراهیم شمس‌الدین، ط ۱، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

جلالت، فرامرز و دانش، ابراهیم، (۱۴۰۲)، «همزیستی ادب غنایی و تعلیمی در آینه تحلیل بینامتنی آثار نظامی و قابوس‌نامه بر اساس نظریه ژرار ژنت»، *دوفصل‌نامه زبان و ادب فارسی، دانشگاه تبریز*، س ۷۹، ش ۲۴۷، صص ۱۵۱-۱۷۶.

جلیلی جشن‌آبادی، صبا و رحیمی، سیدمهدی، (۱۴۰۰)، «بینامتنیت در ادب تعلیمی (با تمرکز بر قابوس‌نامه و تعالیم پتاح‌حوتپ؛ کهن‌ترین فرزندانامه جهان)»، *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*، س ۱۳، ش ۵۲، صص ۲۷-۵۷.

الحصری القیروانی، ابواسحاق، (۱۴۲۴)، *زهر الآداب و ثمر الألباب*، قدم له و شرحه صلاح‌الدین الهواری، ط ۱، بیروت: المكتبة العصرية.

حق‌طلب، رحمت‌الله، مهدی نوروز و محبوبه ضیاء خدادادیان، (۱۴۰۱)، «بررسی و تحلیل شاخصه‌های تعلیمی قابوس‌نامه در ارتباط با روابط والدین-فرزند بر اساس نظریه رمزگان‌های پنج‌گانه رولان بارت»، *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*، س ۱۴، ش ۵۳، صص ۱-۲۴.

خاتمی، احمد و غلامرضا رفیعی، (۱۳۹۰)، «اندرزهای عنصرالمعالی در قابوس‌نامه و مقایسه آن با نظرات تربیتی ژان ژاک روسو»، *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*، س ۳، ش ۱۲، صص ۱-۲۴.

الخطیب البغدادی، ابوبکر، (۱۴۲۴)، *تاریخ بغداد*، تحقیق صدقی جمیل العطار، ط ۱، بیروت: دارالفکر. خطیبی، حسین، (۱۳۷۵)، *فن نثر در ادب پارسی*، چ ۲، تهران: زوار.

دانش، ابراهیم و محمدرضا طوسی نصرآبادی، (۱۴۰۰)، «بررسی مؤلفه‌های ادب زبانی در قابوس‌نامه با استفاده از نظریه براون و لوینسون»، *دوفصل‌نامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی*، س ۲۹، ش ۹۱، صص ۱۲۹-۱۵۳.

دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۸۳)، *امثال و حکم*، چ ۱۲، تهران: امیرکبیر.

الراغب‌الإصفهانی، حسین، (۱۴۱۶)، *محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء والبلغاء*، ط ۱، قم: مکتبه الحیدریه. ریپکا، یان و دیگران، (۱۳۸۱)، *تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان تا قاجاریه*، ترجمه عیسی شهابی، چ ۲، تهران: علمی و فرهنگی.

زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۵)، *از گذشته ادبی ایران*، چ ۳، تهران: سخن.

الزمخشری، محمود، (۱۴۱۰)، *ربیع الأبرار و نصوص الأخبار*، تحقیق سلیم النعیمی، ط ۱، قم: دارالذخائر.

ساسانی، فرهاد، (۱۳۸۴)، «تأثیر روابط بینامتنی در خوانش متن»، *مجله زبان و زبان‌شناسی*، س ۱، ش ۲، صص ۳۹-۵۴.



- السیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۰۱)، *الجامع الصغیر فی أحادیث النذیر البشیر*، ط ۱، بیروت: دارالفکر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۵۲)، «انواع ادبی و شعر فارسی»، *مجله خرد و کوشش*، ش ۱۱ و ۱۲، صص ۹۶-۱۱۹.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، *صور خیال در شعر فارسی*، چ ۹، تهران: آگه.
- شمس تبریزی، محمد، (۱۳۷۷)، *مقالات شمس تبریزی*، تصحیح محمدعلی موحد، چ ۲، تهران: خوارزمی.
- صدوق، محمدبن علی، (۱۳۸۴)، *الأمالی*، ترجمه کریم فیضی، چ ۱، قم: وحدت‌بخش.
- صفارزاده، طاهره، (۱۳۸۴)، *مفاهیم قرآنی در حدیث*، چ ۱، تهران: پارس کتاب.
- العجلونی، اسماعیل، (۱۴۲۲)، *کشف الخفاء*، تصحیح محمد عبدالعزیز الخالدي، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- عنصرالمعالی، کیکاوس، (۱۳۱۲)، *نصیحت‌نامه معروف به قابوس‌نامه*، تصحیح سعید نفیسی، چ ۱، تهران: مجلس.
- عنصرالمعالی، کیکاوس، (۱۳۸۰)، *قابوس‌نامه*، تصحیح غلامحسین یوسفی، چ ۱۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- الغزالی، محمد، (۱۴۱۹)، *احیاء علوم‌الدین*، ط ۱، حلب: دار الوعی العربی.
- الغزالی، محمد، (۱۳۶۷)، *نصیحة الملوک*، تصحیح جلال‌الدین همایی، چ ۴، تهران: هما.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان، (۱۳۶۱)، *احادیث مثنوی*، چ ۳، تهران: امیرکبیر.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان، (۱۳۸۳)، *تاریخ ادبیات ایران*، چ ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- القشیری، ابوالقاسم، (۲۰۰۰م)، *الرسالة القشیریة*، تحقیق عبدالکریم العطا، ط ۱، دمشق: مکتبه ابي حنیفة.
- کاشانی، عزالدین محمود، (۱۳۸۱)، *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*، تصحیح جلال‌الدین همایی، چ ۶، تهران: هما.
- الموردی، ابوالحسن، (۱۴۲۵)، *أدب الدنيا والدین*، اعتنی به محمد ابوالخیرالسید و محمدالشرفاوی، ط ۱، بیروت: مؤسسه الرسالة ناشرون.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار*، ط ۴، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مستملی بخاری، ابوابراهیم، (۱۳۷۳)، *شرح التعرف لمذهب التصوف*، تصحیح محمد روشن، چ ۲، تهران: اساطیر.
- المکئی، ابوطالب، (۱۴۱۷)، *قوت القلوب فی معامله‌المحبوب*، تصحیح باسل عیون السّود، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- موسوی، سیدجلال، (۱۳۹۹)، «تبیین جایگاه قابوس‌نامه در تاریخ اندرنامه‌نویسی»، *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*، س ۱۲، ش ۴۶، صص ۱-۲۸.

میبدی، ابوالفضل، (۱۳۸۲)، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، به اهتمام علی اصغر حکمت، چ ۷، تهران: امیرکبیر.

المیدانی، ابوالفضل، (۱۴۲۴)، *مجمع الأمثال*، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، ط ۱، بیروت: المکتبه‌العصریه.



نامور مطلق، بهمن، (۱۳۸۶)، «ترامنتیّت مطالعهٔ روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، پژوهش‌نامهٔ علوم انسانی، ش ۵۶، صص ۸۳-۹۸.

نامور مطلق، بهمن، (۱۳۸۸)، «از تحلیل بینامتنی تا تحلیل بیناگفتمانی»، پژوهش‌نامهٔ فرهنگستان هنر، ش ۱۲، صص ۷۴-۹۴.

نامور مطلق، بهمن، (۱۳۹۴)، درآمدی بر بینامتنیّت، چ ۲، تهران: سخن.

نامور مطلق، بهمن، (۱۳۹۵)، بینامتنیّت از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم، چ ۱، تهران: سخن.

نجم‌الدین رازی، عبدالله، (۱۳۸۰)، مرصادالعباد، به اهتمام محمدامین ریاحی، چ ۹، تهران: علمی و فرهنگی.

نسفی، عزیزالدین، (۱۳۸۱)، کتاب‌الإنسان‌الکامل، تصحیح ماریژان موله، چ ۶، تهران: طهوری.

نصیرالدین طوسی، محمد، (۱۳۸۷)، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و علی‌رضا حیدری، چ ۶، تهران:

خوارزمی.





Presence of Educational Teachings of Islam's Prophet in the Educational system of Qaboosnameh based on Gerard Genette's Theory

Ebrahim Danesh¹ Faramarz Jalalat²

Abstract

Qaboosnameh is a rich treasure of ethic-educational knowledge and experiences. Onsorolma?ali paid attention to all individual and social aspects of human beings in addition to his needs. So he has benefited from various Islamic sources, especially Qur'an, and Hadith. He has explained them in coherent and simple language with a high scientific and literary proficiency in his educational book. The intrusion of holy Mohammad's ethic-educational linguistic and intellectual elements in different ways within Qaboosnameh indicates their indisputable intertextual relationships. This paper has studied the textual and content representations of the Prophet (PBUH)'s wise speeches in Qaboosnameh by descriptive-analytical method and based on Gerard Genette's theory. It concluded that the ethic-educational teachings of Islam's prophet which have been presented implicitly, explicitly, and covertly in Qaboosnameh, play a fundamental role in the intellectual and educational framework of the book. In terms of the subject matter, these teachings include a wide range of individual, social, religious, and economic issues. The high frequency of the Prophet's (PBUH) social teachings in Qaboosnameh is in accordance with the social nature of Islam and the Prophet's (PBUH) emphasis on Muslim unity. The macro relationship between Qaboosnameh and Prophetic Hadith in an intertextuality approach is the continuation and attraction of these teachings in order to complete the ethical, educational, and literary dimensions of the book.

Keywords: Intertextuality, Prophet's Teachings, Qaboosnameh, Gerard Genette.

¹ . Department of Persian Language and Literature, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. (Corresponding Author)// e.danesh@uma.ac.ir

² . Department of Persian Language and Literature, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.// faramarz.jalalat@gmail.com